

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد قراگوزلو  
۰۲ جنوری ۲۰۱۶

## شباهت های "پوتین" و "احمدی نژاد"!

جنگ در سوریه و دخالت نظامی و بمباران "سوسیالیستی!!" جنگنده های روسی بار دیگر روسیه و "پوتین" را به عنوان بازیگران اصلی در پارادایم جدید روابط بین الملل معرفی کرده است. حالا دیگر امریکا تنها آقای جهان نیست. اقتصاد چین هم هست و البته قدرت نظامی روسیه نیز سهم خود را در این تقسیم بندی های امپریالیستی مطالبه می کند. سالی هست که تصویر پوتین به عنوان قدرت مندترین سیاستمدار جهانی روی جلد رسانه برتر خودنمایی می کند. اما به یقین از سپتامبر سال ۲۰۱۵ و متعاقب دخالت "بشردوستانه" روسیه این تصویر رنگ و لعاب دیگری گرفته است. در مورد نقش روسیه در جنگ سوریه پیش از این بسیار گفته ایم و نوشته ایم. در این جا می خواهم از منظری دیگر به "پوتین" بنگرم.

شاید - و به گمان نگارنده بی شک- مانسته ترین شخصیت و چهره دولتی وطنی به "پوتین"، "محمود احمدی نژاد" است. بسیار معنا دار است که "احمدی نژاد" بلافاصله پس از انتخابات ۸۸ (دور دوم ریاست جمهوری اش) دوان دوان به بلاروس - متحد اصلی "پوتین"- شتافت و شادی اش را با دیکتاتور آن کشور به اشتراک گذاشت! چندان بی هوده نیست کسانی هم که رگ گردن "سوسیالیسم" توخالی و تاریخ منقضی شرق زده شان باد کرده و برای "پوتین" هورا می کشند به صور مختلف از دولت "احمدی نژاد" و سیاست آزاد سازی اقتصادی او دفاع کرده اند. سیاستی که در مسیر دور جدید انباشت سرمایه؛ سلب مالکیت از نهادهای دولتی به سود مراکز نظامی و امنیتی را در راستای عروج قشر جدید قدرت چنان انجام داد که امروز حتا طرف داران دو آتشه خصوصی سازی و کسب مالیات از بنگاه ها نیز در برابر این خونتاً تمکین کرده اند. رویکرد نوتزارایسم در روسیه نیز عیناً به همین شکل بوده است. **احمدی نژاد در مراکز نظامی و امنیتی آب بندی شده بود و پوتین نیز در KGB آبدیده شده است.** به همین نسبت شکل اقتدارگرا و اتوریترین دولت "احمدی نژاد" به نحو عجیبی از دولت روسیه تأثیر پذیرفته بود. بسیار باهوده بود که در محافل داخلی و پیش از انتخابات یازدهم ریاست جمهوری از "احمدی نژاد - مشایبی" به عنوان کپی "پوتین - مدودف" نام برده می شد!

هم "پوتین" و هم "احمدی نژاد" قدر قدرتی خود را مرهون افزایش ناگهانی بهای نفت و گاز بودند و هستند. شاید اگر قیمت نفت به بالای ۱۵۰ دلار نمی رسید کار دولت "احمدی نژاد" در همان یکی دو سال اول ساخته بود. کل سیاست های اقتصادی به اصطلاح انبساطی "احمدی نژاد" به اعتبار ۸۰۰ میلیارد دلار درآمد نفت به پیش رفت. مضاف به این که به تدریج و پس از افول دولت او دانسته آمده است که خلاف کج فهمی های یکی دو بشر عقب مانده، این سیاست های

مثلاً انبساطی نه فقط کمکی به بهبود کسب و کار و زندگی مردم زحمتکش نکرده است بل که اساساً کرور کرور پول به جیب این و آنی رفته است که در ارتباط نزدیک با بالائی ها مشغول غارت دالرهای نفتی بوده اند و اسمش را هم گذاشته بودند "دور زدن تحریم". در واقع یکی از دلایل بسیار مهم مباران "سوسیالیستی" سوریه در متن رقابت این دولت با قطر از یک سو و ترکمنستان و ترکیه - خط لوله گاز ناباکو- از سوی دیگر است.

"احمدی نژاد" با بلند کردن پرچم ناسیونالیسم و استوانه کوروش و گرایش به منحط ترین شکل آرکانیسم عملاً اپوزیسیون راست برانداز و سلطنت طلب را به حاشیه راند و "پوتین" نیز با احیای ناسیونالیسم عظمت طلب روس امپراتوری ضعیف و گلاسنوس و پروسترویکا زده و تحقیر شده از سوی "یلتسین" را در قالب یک امپریالیسم هار و تازه نفس احیاء کرد.

می گویند که "پوتین" متکی به آرای بیش از هشتاد درصد مردم روسیه است و چون این مردم فرهیخته و روشنفکر هستند پس "پوتین" نیز ایضاً.... من نمی دانم که "احمدی نژاد" براستی چند درصد از آرای مردم ایران را به خود اختصاص داده بود اما برای این که مستند صحبت کنم به عروج فاشیسم در المان و پشتوانه مردمی "حزب نازی" و شخص "هیتلر" اشاره می کنم. انگار که مردم المان با آن پشتوانه غنی تاریخی و فلسفی یک مشت سفیه بودند! خانم "لوین" نیز توانسته آرای بخش قابل توجهی از مردم فرانسه را به خود اختصاص دهد. این چه استدلالی است برای بیرون کشیدن "پوتین" از مخصصه رهبری یک دولت مافیائی امپریالیستی! انتخابات نود و هشت درصدی وطنی که خاطرتون هست هنوز! "احمدی نژاد" در میان فاشیست های اروپائی چهره ای بسیار محبوب بود. این فقط انکار تاریخ هولوکاست نبود که "محمود" را در میان راست افراطی اروپا جذاب کرده بود، حمایت های مالی "احمدی نژاد" از این راست اظهر من الشمس است. بی هوده نیست که کمترین مشهور فرانسوی "دیودونه" - که پس از چرخش به راست در جبهه "فران ناسیونال" خانم "لوین" ایستاد- از دوستان نزدیک "احمدی نژاد" بود؛ به دعوت ایشان به تهران آمد و مفتخر به دریافت جایزه ویژه شد! به همین سیاق نیز ارتباط "پوتین" با جریان های راست و فاشیست اروپائی یک فاکت بی چون چرا است. جبهه ملی یا حزب "فران ناسیونال" فرانسه و احزاب مشابه در مجارستان و اتریش و بلغارستان از دوستان گرمابه و گلستان "پوتین" به شمار می روند. وام ده میلیون یورویی مسکو به تشکیلات فاشیستی "لوین" را در همین راستا باید ارزیابی کرد.

استدلال می کنند حالا که حملات روسیه علیه داعش "مفید" بوده نقد "پوتین" و سیاست های امپریالیستی روسیه "چشمک" به امریکاست! در نتیجه این رویکرد "مثبت" روسیه علیه داعش است که "پوتین" باید از نقد مصون بماند و تصویرش در قلب "چپ" ترازده تتر شود. بسیار خوب سپاه قدس و جمهوری اسلامی هم در ضربه زدن به داعش کم و بیش در حد روسیه عمل کرده است. می فرمائید با این یکی چه کنیم؟ مخالفت با لیبرالیسم اگر از موضع سوسیالیسم صورت نیندد یک مدل آن می شود "پوتین" و "احمدی نژاد" و مدل دیگرش می شود "دونالد ترامپ". اگر "پوتین" در شمار دیکتاتورهای بزرگ در دوران افول غول هاست باری همتای وطنی او به تبع بورژوازی حقیر حامی اش در شمار کوتوله ها بود. بیهوده نیست که "ترامپ" و "پوتین" در عرصه رئال پولیتیک نزدیک ترین و "رفیق" ترین شخصیت های فعال در دو قطب امپریالیسم برتر هستند!

دنیای مجانین و اقتدار برای پر کردن خلای ناشی از افول هژمونی امریکا به پی نوشتی برای "پوتین" نیاز دارد. نام این پی نوشت "ترامپ - لوین" است.

جمعه ۱۱ دی ماه [جدی] ۱۳۹۴. تهران. محمد قراگوزلو